

## بخش دوم

درباره کتاب جمهوری ونیز و ایران

انیمیرا



## مقدمه

در بخش خطی کتابخانه کاخ موزه گلستان کتابچه‌ای با نام «ترجمه کتاب دکتر کاستالدی یا تاریخ روابط ایران و دولت ونیز» به شماره ۸۱۴ وجود دارد. این نسخه در قطع نیم‌ورقی (۲۳ × ۳۶) روی کاغذ فرنگی نوشته و مجدول و قرمز سرلوح‌دار، همراه با پنج عکس و مهر شاه سلطان حسین و نامه‌ای است به پادشاه ونیز، به خط نستعلیق و جلدی با ابره مخمل بنفش. می‌توان آن را جزء نخستین پژوهش‌های مهم و روشمند مطالعات تاریخی در حوزه مناسبات ایران و ونیز به شمار آورد که در سده نوزدهم میلادی / چهاردهم هجری انجام گرفته است (آتابای ۱۳۵۵: ۳-۱۶۷-۱۶۹). در حقیقت نویسنده اصلی کتاب، ایران‌شناس ایتالیایی، گولیمو برشه است که حدوداً ۱۴۵ سال پیش، در سال ۱۸۶۵م نتیجه تحقیقات خود را در خصوص تاریخ روابط سیاسی و اقتصادی ایران و دولت ونیز در عصر ترکمانان آق قویونلو و صفویه تحت عنوان «جمهوری ونیز و ایران» چاپ و منتشر نموده است.<sup>۱</sup> میکِل آنجلو پیه‌مونتسه، پژوهشگر ایتالیایی، معتقد است که کتاب برشه نخستین اثری است که با رهیافت علمی و محققانه پس از تشکیل کشور جدید ایتالیا در سال ۱۸۶۲م نوشته شده است. برشه این کتاب را به توصیه یکی از دولتمردان ایتالیایی به نام کریستوفر فورونگری، بر

---

۱. مشخصات کامل کتاب بدین شرح است:

Guglielmo Berchet, 1865, *La Repubblica di Venezia e la Persia*, Torino, Paravia (Tehran, 2535).

اساس مستندات تاریخی روابط جمهوری ونیز با ایران، تدوین کرد (متی و کدی ۱۳۷۱: ۱۴۱). مظفرالدین شاه قاجار در سال ۱۳۲۰ق/ ۱۹۰۲م در دومین سفرش به اروپا با کتاب برشه آشنا شد؛ سپس از طبیب و جراح سابق خود دکتر لویی کاستالدی خواست تا آن را از ایتالیایی به فرانسه ترجمه کند. کاستالدی نیز فرمان پادشاه ایران را پذیرفت و بخشی از کتاب برشه را که تنها شامل تاریخ مناسبات سیاسی ایران و ونیز در سده‌های پانزدهم تا هجدهم میلادی می‌گردید، به زبان فرانسه ترجمه کرد، و کار را در سوم مارس ۱۹۰۴م/ ۱۳۲۲ق در شهر میلان به پایان رساند.<sup>۱</sup> مظفرالدین شاه در همان سال، پس از آنکه نسخه ترجمه به دستش رسید، بی‌درنگ نیرالملک وزیر علوم و معارف وقت، را مأمور کرد تا زیر نظر وی، توسط مترجمی آگاه به فارسی ترجمه شود. نیرالملک این وظیفه را به یوسف‌خان مؤدب‌الملک معلم زبان فرانسه در دارالفنون واگذار کرد. مؤدب‌الملک نیز این مسئولیت را پذیرفته و بر اساس امضایی که از وی در ابتدای نسخه خطی از ترجمه فارسی کتاب در کتابخانه کاخ گلستان وجود دارد، کار ترجمه را در ماه ربیع الاول ۱۳۲۲ق / ۱۹۰۴م به پایان رساند (گ ۱ و ۳).

این کتاب به سبب استفاده گسترده از اسناد و مدارکی که در غرب نگاهداری می‌شود و همه دور از دسترس محققان ایرانی است، و نیز از این نگاه که موضوعات و اسناد مندرج در آن کتاب و دیگر منابع فارسی انعکاس نیافته است، می‌تواند کاری مهم به شمار آید، به‌ویژه که حاوی اطلاعات باارزش تاریخی درباره فرمانروایی ترکمانان و صفویان است.

## لوئی کاستالدی و فعالیت‌های او در ایران

کاستالدی، مترجم نخست کتاب برشه، پزشکی ایتالیایی بود که در عهد ناصرالدین شاه به ایران آمد و به طبابت مشغول شد. وی قبل از ورود به ایران

---

۱. «تاریخ روابط ایران و دولت ونیز»، ترجمه ریشارخان مؤدب‌الملک، نسخه خطی، کتابخانه کاخ گلستان، شماره ۸۱۴، برگ ۳۸. اما جای تعجب است که مظفرالدین شاه در گزارش سفر دوم خود به اروپا هیچ اشاره‌ای به نام کاستالدی ندارد. این سفرنامه با این مشخصات چاپ و منتشر شده است: *سفرنامه دوم مظفرالدین شاه به فرنگ*، با مقدمه و حواشی احمد خاتمی، تهران، ۱۳۸۷ش.

به همراه چند پزشک ایتالیایی در بیمارستان قسطنطنیه خدمت می‌کرد. کاستالدی و دیگر پزشکان ایتالیایی، همانند جیرو لامو و گابوزی در مدت اقامت که در قسطنطنیه، به هنگام شیوع بیماریهای مسری، چون حصبه، وبا و طاعون — که اغلب در ایران نیز شایع می‌شد — به آن سرزمین رفتند و خدمات ارزنده‌ای انجام می‌دادند (بیه‌مونته ۱۳۶۸: ۴۲۸). محتوای یک سند تاریخی نشان می‌دهد که کاستالدی از سال ۱۲۹۳ق/ ۱۸۷۶م به عنوان معلم طب به استخدام دارالفنون درآمده و در ایران اقامت گزیده است (هاشمیان ۱۳۷۹: ۲۸۰-۲۸۱؛ روستایی ۱۳۸۲: ۲۷۹/۱-۲۸۰). در واقع، این سند تاریخی معرف قراردادی است که میان دولت ایران و کاستالدی در هفت فصل تنظیم و منعقد شده است. کاستالدی بر اساس این قرارداد و با دریافت مواجب سالیانه هشتصد تومان، وظیفه داشت طب اروپایی را به متعلمین ایرانی بیاموزد. مدت این قرارداد سه سال بود و کاستالدی تعهد داشت در مدت اقامت در ایران به قوانین این سرزمین احترام بگذارد (همانجا).

در همان سال، در شهر تهران بیماری دیفتری شیوع پیدا کرد. برای مقابله با این بیماری بلافاصله یک شورای بهداشتی به ریاست شاهزاده اعتضادالسلطنه تشکیل گردید. کاستالدی به همکاری با آن شورا دعوت، و سپس مسئولیت بهداشت به او واگذار شد. او برای مهار کردن ویروس دیفتری تشکیل یک قرنطینه منظم را پیشنهاد داد تا با ارائه خدمات به موقع و منسجم، از پیشرفت آن بیماری جلوگیری شود (الگود ۱۳۸۶: ۵۷۲). یک سال بعد، با انتشار طاعون در عراق، ویروس آن از طریق مرزهای غربی وارد ایران شد. این بیماری به سرعت در مناطق جنوبی ایران انتشار یافت، به طوری که فقط در شوشتر تعداد تلفات آن بالغ بر ۱۸۰۰ نفر بود. در این زمان، انگلیسیها برای جلوگیری از انتقال این بیماری به هند کمیسیون مخصوصی از پزشکان فرنگی و ایرانی تشکیل دادند که از سوی دولت ایران، دکتر کاستالدی به عنوان یکی از اعضای آن کمیسیون معرفی شد (همان: ۵۷۳).

صرف نظر از این نوع مسئولیتها که مبین خدمات کاستالدی در مقاطع اضطراری در ایران است، از همکاری کاستالدی با دارالفنون و مدت آن چیزی

دانسته نیست؛ مخصوصاً که مطابق گزارش سرشماری سال ۱۳۰۴ق/۱۸۸۶م از دکتر کاستالدی تنها به عنوان پزشک سفارت ایتالیا نام برده شده، نه معلم طب در دارالفنون (آزاده ۱۳۵۷: ۱۹).

این طبیب ایتالیایی ظاهراً بعد از سال ۱۳۰۴ق/۱۸۸۶م به امر ناصرالدین شاه از تهران راهی تبریز شد تا در دربار مظفرالدین میرزا درمان و مراقبت او را بر عهده گیرد. اعتمادالسلطنه که در سال ۱۳۰۶ق/۱۸۸۸م کتاب *المآثر والآثار* را به اتمام رسانیده، در انتهای این کتاب و در ذکر طبقه اطبای «دربخانه حضرت مستطاب والا» (ج ۱، ص ۴۲۴) در تبریز، از دکتر کاستالدی به عنوان طبیب فرنگی مقیم آنجا یاد می‌کند. ژنرال گوردون انگلیسی نیز در سفرنامه خود به این مطلب اشاره دارد، و می‌نویسد که ناصرالدین شاه سه نفر پزشک به نامهای میرزا محمودخان حکیم باشی، دکتر ادکاک انگلیسی، و دکتر کاستالدی ایتالیایی را مأمور تبریز کرد تا از مظفرالدین میرزای ولیعهد که از کودکی از سلامت کامل و بنیه نیرومند برخوردار نبود، مراقبت کنند. کاستالدی تا سال ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م در تبریز طبابت می‌کرد، و سرانجام بعد از قتل ناصرالدین شاه، در ماه ذی‌قعدة آن سال، به همراه مظفرالدین میرزا از تبریز به تهران آمد، و پس از جلوس او بر تخت پادشاهی، در سمت جراح مخصوص دربار به خدمات پزشکی خود ادامه داد. کاستالدی در سال ۱۳۲۰ق/۱۹۰۲م، کمی پیش از سفر دوم مظفرالدین شاه به اروپا، به دلیل کهولت سن و ضعف مزاج، از سمت خود استعفا داد و به ایتالیا بازگشت. او در یکی از نامه‌هایش به وزیر امور خارجه ایران که در سال ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م نگاشته، اظهار می‌کند که مدت بیست سال جراح دربار قاجار بوده است (سازمان اسناد، سند شماره ۳۶۰۰۰۴۴۸۱/۱۱ و ۱۹). در این صورت می‌توان حدس زد که کاستالدی تنها در طی سالهای ۱۲۹۳-۱۳۰۰ق/ ۱۸۷۶-۱۸۸۲م معلم دارالفنون بوده، و در مجموع نیز ۲۷ سال از عمرش را در ایران سپری نموده است.

کاستالدی در جمع هیأت رسمی دولت ایتالیا که ورود مظفرالدین شاه قاجار را در سال ۱۳۲۰ق/۱۹۰۲م به شهر رم خوشامد گفتند، حضور داشت و نیز در قصر دوژ و سن مارک با پادشاه قاجار دیدار کرد. همان‌طور که پیش از این

گفته شد، مظفرالدین شاه در این ملاقات از طبیب و جراح سابق خود می‌خواهد تا کتاب گولیمو برشه را که درباره تاریخ روابط ایران و ونیز است، به فرانسه ترجمه کند. کاستالدی هم این مسئولیت را پذیرفت، و بخشی از آن کتاب را که تنها شامل تاریخ مناسبات سیاسی ایران و ونیز در سده‌های پانزدهم تا هیجدهم میلادی است، ترجمه کرد و در تاریخ سوم مارس ۱۹۰۴م/۱۳۲۲ق در شهر میلان کار را به پایان رساند.

ترجمه فرانسه این کتاب موجود نیست، اما نسخه‌ای از ترجمه فارسی و خطی آن که به امر مظفرالدین شاه و توسط مؤدب‌الملک در ربیع‌الاول همان سال انجام شده، موجود است. لازم به ذکر است که جدای از این ترجمه به هیچ کار فرهنگی دیگری از او، و به نام او، در منابع فارسی ذکری نرفته است.

کاستالدی پس از قبول مسئولیت ترجمه کتاب برشه، در همان سال ۱۳۲۰ق/۱۹۰۲م از سوی مظفرالدین شاه به سمت قنصل شهریار ایران در میلان ایتالیا منصوب گردید. بر اساس مدارک موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی و همچنین آرشیو وزارت امور خارجه ایران، او تا سال ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م در این مقام فعالیت داشته است.<sup>۱</sup>

### چند نکته درباره کتاب گولیمو برشه (۱۸۳۳-۱۹۱۳م)<sup>۲</sup>

همان‌طور که پیش از این ذکر شد، کتاب برشه نخستین بار در سال ۱۸۶۵م در تورینوی ایتالیا چاپ و منتشر گردید. در سال ۱۳۵۵ش/۱۹۷۶م، پس از گذشت ۱۱۱ سال از چاپ نخستین آن در اروپا صاحب‌نظران ایرانی کتاب را اثری نایاب تشخیص دادند. سپس شرکت افست تهران عکسی از نتیجه کتاب

---

۱. برای آگاهی بیشتر از فعالیتها و همکاری کاستالدی با دولت ایران، نک: بهرام‌نژاد ۱۳۹۰الف: ۵۸-۸۶.

۲. درباره شرح حال گولیمو برشه (۱۸۳۳-۱۹۱۳م) نک:

Monteleone, 1966, "Berchet, Guglielmo", *Dizionario Biografico degli Italiani*, Volume 8, (www.treccani.it).

برشه را که در کتابخانه عمومی نیویورک محفوظ است، در یک هزار نسخه منتشر کرد. برشه در این کتاب، تاریخ روابط سیاسی و اقتصادی جمهوری ونیز را با دولتهای ایران در عصر آق قویونلو و صفویه مطالعه و بررسی کرده است. از مقایسه نسخه ترجمه فارسی و اصل ایتالیایی کتاب به وضوح می‌توان دریافت که کاستالدی تنها فصل نخست کتاب برشه را، شامل صفحات ۱-۵۷، به فرانسه ترجمه کرده و همین مقدار نیز مبنای ترجمه فارسی یوسف‌خان قرار گرفته است. البته، از آنجا که ترجمه کاستالدی به دست ما نرسیده، هیچ‌گونه اظهار نظر دقیقی در خصوص کیفیت کار وی نمی‌توان کرد، و حتی نمی‌دانیم که نسخه فارسی مؤدب‌الملک چقدر با ترجمه کاستالدی مطابقت دارد. اما مقایسه نسخه فارسی که متنی ساده و روان و به دور از آرایه‌های کلامی است، با صفحات مورد اشاره از کتاب برشه، به وضوح نشان می‌دهد که تمامی اطلاعات آمده در آن قسمت دقیقاً ترجمه نشده، بلکه تلخیصی از گفته‌های نسبتاً مفصل برشه است که در قالب یک تسلسل زمانی، شرحی از فراز و فرود مناسبات سیاسی ایران و ونیز طی سالهای ۸۵۸-۱۱۳۱ق/۱۴۵۳-۱۷۱۸م، آن هم بدون ذکر مشخصات کامل مآخذ نویسنده اصلی کتاب، آورده شده است.

در واقع، کتاب در زبان اصلی مجموعاً دارای ۳۱۱ صفحه است، و محتوای آن در دو فصل و یک پیوست ترتیب یافته‌اند. فصل نخست کتاب، موضوع تاریخ مناسبات سیاسی ایران و ونیز، در سه بخش بررسی شده است: اولین بخش به شرایط این مراودات در زمان حکومت آق قویونلوها (۸۷۲-۹۰۸ق/۱۳۷۸-۱۵۰۸م اختصاص یافته (برشه ۱۸۶۵: ۲-۲۲)، و بخش دوم آن از آغاز تشکیل دولت صفویه در ایران تا ابتدای سلطنت شاه عباس اول (۹۰۷-۹۹۶ق/۱۵۰۱-۱۵۸۷م) را در بر می‌گیرد (همان: ۲۲-۲۴)، و بخش سوم نیز شامل دوران حکومت شاه عباس بزرگ تا پایان دولت صفویه (۹۹۶-۱۱۳۵ق/۱۵۸۷-۱۷۲۲م) است (همان: ۴۱-۵۷).

برشه در فصل دوم کتاب، به موضوع روابط بازرگانی ایران و ونیز در همان دوره‌ها پرداخته و مطالب مربوط را در دو بخش تنظیم کرده است. ترتیب این دو بخش بر اساس گزارشهایی است که بازرگانان ونیزی در سفر به آسیا و ایران



تهیه کرده‌اند، و شامل مجموعه‌ای از آگاهیها در خصوص راهها، شهرهای مهم اقتصادی، و وضع تولید، تجارت و قیمت کالای ابریشم در ایران می‌باشد (همان: ۵۹-۸۷).

بخش پیوستهای کتاب، شامل مجموعه‌ای از گزارشها و مکاتبات سیاسی و تجاری است که به وسیله کسانی همانند کاترینو زنو، جوزفا باربارو، آمبروجیو کنتارینی، جیوانی داریو، کنستانتین لاسکاری، وینچنتو دی‌الساندری، تئودور بالبی و تورکو به رئیس جمهور و مجلس سنای ونیز در ادوار مورد اشاره نوشته شده‌اند، و نیز برخی از نامه‌هایی که میان دوکها و سلاطین آق قویونلو و صفویان مبادله شده است. این بخش که از نظر مطالعه و بررسی اسناد از ارزش تاریخی و علمی بسیاری برخوردار است، متناسب با تقسیمات محتوایی کتاب ترتیب یافته است. لهذا پیوستها نیز ابتدا به دو بخش تقسیم شده است: بخش نخست در سه قسمت، و بر اساس تاریخ مدارک، بدین شرح است: ۱۴۶۳-۱۴۷۴م (همان: ۹۷-۱۴۹)؛ ۱۴۸۵-۱۵۸۰م (همان: ۱۵۰-۱۹۱)؛ ۱۶۰۰-۱۷۱۸م (همان: ۱۹۲-۲۴۷).

بخش دوم پیوست که مرتبط با فصل مناسبات بازرگانی ایران و ونیز است در دو قسمت به شرح ذیل آمده است: ۱۶۰۹-۱۶۲۹م (همان: ۲۴۸-۲۵۹). ۱۵۴۸ - ۱۷۶۲م (همان: ۲۶۰-۲۶۹).

انتهای بخش دوم پیوست نیز به معرفی شش نامه با تاریخهای ۱۵۱۴، ۱۵۷۰، ۱۵۸۶ و ۱۶۷۳م اختصاص یافته است (همان: ۲۶۹-۲۹۴). همچنین کتاب شش تصویر دارد که موضوع آنها بدین ترتیب است: نشان مهر شاه سلطان حسین صفوی با تاریخ ۱۶۹۴م (همان: ۱)، جام فیروزه‌ای با ترصیع طلا و جواهر، هدایی اوزون حسن آق قویونلو به رئیس جمهور ونیز در تاریخ ۱۴۷۰م (همان، ص ۸)، تصویر نقاشی گابریل کالاری از فتحی بیگ، سفیر شاه عباس اول و همراهان سفیر و رئیس جمهور و برخی از نمایندگان سنای ونیز در قصر سن مارک به سال ۱۶۰۳م (همان: ۴۷)، دو نامه از شاه سلطان حسین به رئیس جمهوری ونیز (همان: ۴۸، ۵۵).

در واقع، کتاب دارای دو بخش کلی است. بخش نخست که مبین پژوهش نویسنده در خصوص روابط سیاسی و بازرگانی ایران و ونیز است، صفحات

۸۸-۱ کتاب را شامل می‌گردد؛ بخش دوم کتاب نیز به معرفی اسناد و گزارش نمایندگان سیاسی و تجاری ونیز که به مشرق‌زمین و ایران سفر کرده‌اند و نوشته‌های آنان مورد استفاده نویسنده قرار داشته، اختصاص یافته است. این بخش، مشتمل بر صفحات ۸۹-۲۹۴ است. فهرست عناوین مدارک مندرج در آن نیز به شرح ذیل است:<sup>۱</sup>

۱. گزارش کوتاه کروناکا سانودو از حکومت اوزون حسن در ایران
۲. گزارش مجلس سنای ونیز، ۲ دسامبر ۱۴۶۳
۳. گزارش مجلس سنای ونیز، ۱۵ فوریه ۱۴۶۴
۴. گزارش مجلس سنای ونیز، ۲۶ سپتامبر ۱۴۶۴ و نامه دوک به اوزون حسن در ایران
۵. نامه دوک به اوزون حسن، ۲۷ دسامبر ۱۴۶۶
۶. گزارش کمیسیونی که طی آن کاترینو زنو به عنوان سفیر ونیز در ایران تعیین شد، ۱۸ جولای ۱۴۷۱
۷. گزارش کمیسیون دیگر، ۱۰ سپتامبر ۱۴۷۱
۸. اعتبارنامه اسحاق طیب، فرستاده ایران به ونیز، ۱۴۷۲
۹. گزارش کمیسیونی که طی آن جوزفا باربارو به عنوان سفیر ونیز در ایران تعیین شد، ۲۸ ژانویه ۱۴۷۳
۱۰. گزارش محرمانه کمیسیونی دیگر، ۱۱ فوریه ۱۴۷۳
۱۱. گزارش مجلس سنای ونیز از کاترینو زنو، سفیر ونیز در ایران، ۲۲ ژوئن ۱۴۷۳
۱۲. گزارش جنگ تردس‌هن، ۱۸ آگوست ۱۴۷۳
۱۳. نامه اوزون حسن به سنای ونیز، ۱۶ آگوست ۱۴۷۳

---

۱. در سال ۱۳۵۲ (۶-۱۶ اردیبهشت) از سوی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران با همکاری مؤسسه ایتالیایی برای روابط فرهنگی با خاورمیانه و دور (ISMEO)، و مؤسسه فرهنگی ایتالیا در تهران نمایشگاهی از این اسناد تشکیل شد و همزمان فهرست اسناد نیز انتشار یافت: اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز از دوره ایلخانان تا عصر صفوی، تهران، ۱۳۵۲ ش.

۱۴. گزارش کمیسیونی که طی آن آمبروجیو کنتارینی به عنوان سفیر ونیز در ایران تعیین شد، ۱۱ فوریه ۱۴۷۳
۱۵. گزارش محرمانه کمیسیونی دیگر، ۱۱ فوریه ۱۴۷۴
۱۶. موضوعات محرمانه دیگر، ۱۱ فوریه ۱۴۷۴
۱۷. گزارش اعزام حیوانی داریو به ایران از راه قسطنطنیه، ۱۰ جولای ۱۴۸۵
۱۸. گزارش مشابه دیگری از اعزام، ۱۱ جولای ۱۴۸۵
۱۹. گزارش مجلس سنا از کنستانتینو لاسکاری که به قرامانیه و ایران فرستاده شده بود، ۱۴ اکتبر ۱۵۰۲
۲۰. گزارش مشابه دیگر، ۱۶ اکتبر ۱۵۰۲
۲۱. نامه صوفی اسماعیل به لئوناردو لردانو، ژانویه ۱۵۰۵
۲۲. نامه دوک به شاه ایران، ۲۷ اکتبر ۱۵۷۰
۲۳. گزارش کمیسیونی که طی آن وینچنتو دی الساندرو به عنوان نماینده به ایران اعزام شد، ۳۰ اکتبر ۱۵۷۰
۲۴. نامه دوک به شاه ایران، ۳۰ اکتبر ۱۵۷۰
۲۵. اعزام محرمانه الساندرو، ۲۵ جولای ۱۵۷۲
۲۶. گزارش ارائه شده وینچنتو دی الساندرو در مجلس سنای ونیز، ۱۵۷۴
۲۷. نامه شاه ایران، محمد خدا بنده به جمهوری ونیز، ۱ مه ۱۵۸۰
۲۸. گزارش محرمانه محمد، نماینده ایران در ونیز، ۱ مه ۱۵۸۰
۲۹. نطق عفت بیگ، نماینده ایران در سنا، ۸ ژوئن ۱۶۰۰
۳۰. نامه شاه عباس به دوک ونیز، ۸ ژوئن ۱۶۰۰
۳۱. نامه دوک به شاه ایران، ژوئن ۱۶۰۰
۳۲. نامه شاه عباس به جمهوری ونیز، ۵ مارس ۱۶۰۳
۳۳. ثبت هدایایی که نماینده ایران، فتحی بیگ به ونیز برده است، مارس ۱۶۰۳
۳۴. گزارش مجلس سنا، ۶ مارس ۱۶۰۳
۳۵. نامه دوک به شاه ایران، ۲ سپتامبر ۱۶۰۳
۳۶. نامه شاه ایران به دوک آرمنو چیوس، ۱۶۰۷
۳۷. اعزام محرمانه نماینده ونیز به شام، ۲ سپتامبر ۱۶۰۹

۳۸. نطق فرستاده ایران، حاجی صفر در سنای ونیز، ۳۰ ژانویه ۱۶۱۰
۳۹. نامه سنای ونیز به شاه عباس، ژانویه ۱۶۱۰
۴۰. دریافت کالاهای فتحی بیگ توسط حاجی صفر
۴۱. نامه دوک به شاه ایران، ۳۰ ژانویه ۱۶۱۰
۴۲. نامه شاه ایران که توسط الردین و سوسوار به سنای ونیز فرستاده شد، ۱ مارس ۱۶۱۳
۴۳. نطق سوسوار، فرستاده ایران در سنا، ۱ فوریه ۱۶۲۱
۴۴. نامه شاه ایران به سنای ونیز، ۱ فوریه ۱۶۲۱
۴۵. گزارش بررسی مجلس سنا، ۴ فوریه ۱۶۲۱
۴۶. گزارش دومینیکو سانتی و دعوت سران دولتهای مسیحی از ایران، ۲۶ ژوئن ۱۶۴۵
۴۷. نامه دوک به شاه ایران، ۲ دسامبر ۱۶۴۵
۴۸. مشابه، ۱۷ مه ۱۶۴۶
۴۹. دریافت نامه شاه ایران، ۲۸ مارس ۱۶۴۹
۵۰. گزارش سفیر کشیش آنتونیو فیاندرا پس از بازگشت از نزد شاه عباس دوم، ۲۸ مارس ۱۶۴۹
۵۱. گزارش نماینده مجلس سنای ونیز، دومینیکو سانتی از ایران، ۲۹ مارس ۱۶۴۹
۵۲. نامه دوک به شاه ایران، ۲۲ ژانویه ۱۶۶۱
۵۳. پیشنهاد اسقف اعظم آرامنه آرچییز، برای اتحاد جمهوری ونیز با ایران، ۱۰ ژوئن ۱۶۶۲
۵۴. نامه دوک به شاه ایران، ۱۰ ژوئن ۱۶۶۲
۵۵. گزارش مجلس سنای ونیز در خصوص چند کشیش دومینیکی که از جانب شاه ایران به ونیز آمدند، ۱۹ جولای ۱۶۷۳
۵۶. نامه اسقف اعظم نشیروان به سنای ونیز، ۱۹ جولای ۱۶۷۳
۵۷. نامه شاه ایران به جمهوری ونیز، ۱۹ جولای ۱۶۷۳

۵۸. گزارش مجلس سنا در خصوص یک نشست محرمانه با چند فرستاده ایرانی،  
۱۹ جولای ۱۶۷۳
۵۹. نامه دوک به شاه ایران، ۲۲ جولای ۱۶۷۳
۶۰. مشابه، ۴ ژوئن ۱۶۹۵
۶۱. نامه شاه عباس به ونیز، ۵ سپتامبر ۱۶۶۹
۶۲. نامه دوک به شاه ایران، ۲۹ دسامبر ۱۶۶۳
۶۳. نامه اسقف اعظم آرنجیلی، ۱۸ جولای ۱۶۶۹
۶۴. درخواست دوک از حکومت پرساروم، ۲۰ جولای ۱۶۶۸
۶۵. نامه شاه حسین به سیلوسترو والیر، ۱۶۹۶
۶۶. نامه دوک به شاه ایران، ۱۵ مارس ۱۶۹۷
۶۷. مشابه، ۲۳ دسامبر ۱۷۱۸
۶۸. گزارش ساوج در مرکز نیا راجع به قیمت خرید کالاهایی که به ونیز فرستاده شدند و برای رسیدن به آستاراخان از ایران عبور کردند.
۶۹. نامه شاه ایران به جی. اف. ساگردو، ۱۶۰۹
۷۰. مشابه، ۱۶۱۰
۷۱. مشابه، ۱۶۱۱
۷۲. اعلامیه ایران به تاجران سرشناس ونیزی، ۱۶۱۱
۷۳. نامه شاه ایران به جمهوری ونیز، ۱۶۱۱
۷۴. نامه شاه ایران به آلویسه ساگردو، سپتامبر ۱۶۲۷
۷۵. نامه دوک به شاه ایران، ۱۳ مارس ۱۶۲۹
۷۶. بررسی مجلس سنا، ۷ دسامبر ۱۵۴۸
۷۷. درخواست آندرا بندتی از سینکو ساوی در مرکز نیا
۷۸. نوشته‌های سینکو ساوی به مجلس سنا، ۲۳ دسامبر ۱۷۶۲
۷۹. حکم مجلس سنا، ۲۹ دسامبر ۱۷۶۲
۸۰. نامه سر دوناتو دالزا به زوان کارولدو در خصوص وضعیت ایران، ۱۳ سپتامبر  
۱۵۱۴
۸۱. مشابه، ۷ اکتبر ۱۵۱۴

۸۲. مشابه، ۲ نوامبر ۱۵۱۴

۸۳. گزارش تئودور بالبی از ایران، ۱۵۷۰

۸۴. گزارشی از ایران، ۱۵۸۶

۸۵. گزارشی از سفر به ایران، ۱۶۷۳

کتاب برشه به عنوان یک پژوهش مهم در روند تحقیقات بعدی ایرانشناسان و صفوی‌شناسان، نقش و تأثیر نسبتاً زیادی داشته و اغلب به آن استناد نموده‌اند. محققانی همچون ولادیمیر مینورسکی (۱۳۵۱: ۱۵۵-۱۹۲)، والتر هینتس (۱۳۶۲)، رودی متی (۱۹۹۹-۲۰۰۰) و ویلم فلور (۲۰۰۰: ۳۴۵-۳۶۸) از این جمله‌اند. پژوهشگر ایتالیایی، جورجو روتا نیز در کتابی (۲۰۰۹) به بررسی مناسبات فرهنگی ایران و جمهوری ونیز در سالهای ۱۴۵۰-۱۷۹۷م پرداخته و در واقع ناگفته‌های برشه را در این خصوص کامل کرده است.

### نگاهی به چاپ قبلی ترجمه فارسی کتاب برشه

لازم به ذکر است که فضل تقدم در معرفی و تصحیح این نسخه با الهام ملک‌زاده است. وی این اثر را در سال ۱۳۸۴ش به همراه عبدالحسین نوایی منتشر کرد.<sup>۱</sup> بی‌گمان این تلاش علمی و معنوی از آنجا که زمینه را برای آشنایی علاقه‌مندان به تاریخ مناسبات خارجی ایران در سده‌های نهم تا دوازدهم هجری فراهم آورده، کاری ستودنی و شایسته تقدیر است؛ با این همه مطالعه این کتاب کوچک و مطابقت آن با نسخه اصلی نشان می‌دهد که در کار استنساخ و تصحیح کتاب، مواردی از نظر دور مانده است که برخی از آنها در اینجا یادآوری می‌شود:

عنوان روی جلد و صفحه نخست کتاب یعنی «تاریخ روابط ایران و ونیز» دقیقاً با عنوان نسخه خطی ترجمه و حتی اصل کتاب که به زبان ایتالیایی است، مطابقت ندارد. اگرچه در فهرست کتابخانه و موزه کاخ گلستان نام کتاب «تاریخ

۱. مشخصات چاپی کتاب بدین شرح است:

کاستالدی، تاریخ روابط ایران و ونیز (نسخه‌ای از مجموعه کاخ موزه گلستان)، ترجمه یوسف‌خان ریشار (مؤدب‌الملک)، به تصحیح عبدالحسین نوایی و الهام ملک‌زاده، تهران، ۱۳۸۴ش.

روابط ایران و دولت ونیز» آمده، و مصحح نیز با کمی تغییر همان را برگزیده است، اما چنان‌که در صدر برگ شماره سه نسخه خطی آمده، و نیز از عنوان لاتین کتاب برشه برمی‌آید، نام دقیق‌تر آن «جمهوری ونیز و ایران» است. کتاب، همان‌طور که مصححان در صفحه شانزده مقدمه آورده‌اند، تألیف لوکوما در کیوم برشه (گولیمو برشه) است، اما جای تعجب است که نام وی را بر روی جلد کتاب چاپی نیاورده‌اند؛ شگفت‌تر اینکه در صفحه عنوان، کاستالدی به عنوان مؤلف کتاب معرفی شده است؛ در حالی‌که کاستالدی چنان‌که در مقدمه نیز آمده، تنها مترجم کتاب از زبان ایتالیایی به فرانسه بوده، و یوسف‌خان مؤدب‌الملک نیز مترجم دوم کتاب از زبان فرانسه به فارسی می‌باشد.

مطالب مقدمه کتاب در دو قسمت و در هفده صفحه تنظیم شده است: قسمت نخست، شامل گزارش کوتاهی از تاریخ مناسبات ایران و ونیز از عهد مغول تا صفویه است که مصححان در لابه‌لای آن نیز به قوم ونت و چگونگی تأسیس دولت ونیز و فعالیتهای تجاری و روابط آنان با برخی از دولتهای اروپایی اشاره می‌کنند. اما در این قسمت به‌جز در یک مورد، از سایر منابع مورد استفاده ذکری به میان نمی‌آید. بخش بعدی مقدمه هم به معرفی نسخه اختصاص یافته، و مصححان پس از معرفی چهار اثری که درباره تاریخ روابط ایران و ونیز نوشته شده — آن هم بدون اشاره به مشخصات هر کدام از آنها — به توصیف خصوصیات نسخه بر اساس اطلاعات فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه کاخ گلستان می‌پردازند. مقدمه فاقد هرگونه توضیح روشنی در شرح حال مترجمان کتاب یعنی کاستالدی و یوسف‌خان مؤدب‌الملک است. اگرچه مصححان تنها در پاورقی صفحه هجده به تاریخ تولد و مرگ یوسف‌خان پرداخته، اما این اشاره کوتاه کافی به نظر نمی‌رسد؛ حتی درباره اصل کتاب و مقام علمی نویسنده آن سخنی به میان نمی‌آید.

---

۱. مینورسکی ۱۳۵۱: ۱۵۵-۱۹۲. این مقاله در واقع متن سخنرانی ولادیمیر مینورسکی است ایراد شده در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۳۳ در موزه گیمه پاریس که در همان سال از طرف «انجمن مطالعات ایرانی هنر ایران» به چاپ رسیده است. لازم به ذکر است که مصحح محترم به اشتباه نویسنده این مقاله را بطروشفسکی نوشته است (مقدمه، ص ۱۵).

برگ‌شمار نسخه خطی در استنساخ و چاپ آن رعایت نشده، و از همه مهم‌تر، اینکه کتاب فهرست مطالب و اعلام ندارد. همچنین افزوده‌های مصححان به متن اصلی، برخلاف شیوه معمول در تصحیح نسخه‌های خطی، در پانویس یا داخل دو قلاب در متن مشخص نشده‌اند. از سوی دیگر، صورت لاتین برخی از کلمات و یا اسامی آمده در پانویس صحیح نیست؛ و گاه توضیحاتی در پانویس آمده که نادرست است. همچنین، تعداد اشتباهات ناشی از غلط‌خوانی و نیز اشتباهات چاپی کتاب کم نیست. مضافاً اینکه مطابقت کتاب چاپ شده با نسخه خطی نشان می‌دهد که علاوه بر کلمات، جملاتی هم از قلم افتاده‌اند. نکته آخر اینکه در متن ترجمه، نام شاه عباس اول و دوم با یکدیگر خلط شده است، در حالی که لازم بود این اختلاط دو اسم در پانویس توضیح داده می‌شد. از سوی دیگر عنوان لاتینی که برای کتاب برگزیده شده، دقیق نیست. همچنین، نسخه خطی ترجمه دارای پنج تصویر است (شامل یک مهر، ظرف، تابلوی نقاشی و دو نامه از شاه سلطان حسین صفوی) که در انضمام کتابچه چاپی نیامده‌اند (نیز، نک: بهرام‌نژاد ۱۳۹۰ ب: ۷۶-۷۹).

## سخن آخر

بی‌شک اقدام یوسف‌خان به ترجمه کتاب برشه به زبان فارسی که به لحاظ علمی از آثار تحقیقی و روشمند غرب محسوب می‌شود، از ارزش بسیاری برخوردار است. به‌ویژه آنکه تا کنون نیز ترجمه کاملی از کل اصل کتاب به زبان فارسی نشده است. در واقع برشه با انتشار کتاب «تاریخ روابط ایران و دولت ونیز» به سال ۱۸۶۵م، ایرانشناسان غربی را با مجموعه‌ای از اسناد و گزارشهایی که در کتابخانه‌ها و مراکز بایگانی مدارک ایتالیا نگاهداری می‌شدند، آشنا کرد و یوسف‌خان نیز با ترجمه کتاب از زبان فرانسه، اهمیت آن را به ایرانیان علاقه‌مند به تاریخ شناسانید. البته باید اضافه کرد که ترجمه فارسی این کتاب، برخلاف سایر نوشته‌های یوسف‌خان، ظاهراً در عهد قاجار هیچ‌گاه چاپ و منتشر نشد، و لذا نسخه خطی آن هم که به کتابت شخصی به نام میرمجتبی است، جزو نسخه‌های کتابخانه کاخ گلستان محفوظ مانده بود. از این رو، با توجه به اینکه



امروزه در میان نوشته‌های فارسی در خصوص مناسبات ایران و ونیز کمبودهای زیادی به چشم می‌خورد، انتشار نسخه مذکور تا اندازه‌ای می‌تواند این کمبود و خلأ را پر کند. با وجود این، یقیناً داوری در خصوص ارزش علمی کتاب برشه به واسطه ترجمه حاضر — که تنها شامل بخش تلخیص شده‌ای از آن اثر است — بسیار دشوار، حتی غیردقیق و غیرمنصفانه خواهد بود، مخصوصاً که ملاکهای ترجمه در عهد قاجار با زمان حاضر تفاوت زیاد دارد. خواننده در نگاه نخست به متن اصلی کتاب و مقایسه آن با ترجمه مؤدب‌الملک حدائق به لحاظ کمی، تفاوت میان آن دو را به وضوح در خواهد یافت. امید است پژوهشگری واجد شرایط نسبت به ترجمه کامل کتاب همت گمارد و به درستی ارزش و اعتبار پژوهش برشه را بر خوانندگان ایرانی بنمایاند. تا تحقق چنین هدف مهمی، تلاش در معرفی و تصحیح متن حاضر تنها می‌تواند گام اول در این راه به شمار آید.

مصحح، برای دقت بیشتر در کار تصحیح و ارائه یک متن نسبتاً منقح، به‌ویژه در ضبط نام اشخاص، مکانهای جغرافیایی و سالهای میلادی، نسخه خطی ترجمه را با کتاب اصلی برشه مطابقت داده، و اشتباهاتی را که در کار مترجم یا مترجمان پیش آمده، اصلاح کرده است. اسامی لاتینی که در پانویس رساله آمده، تماماً از کتاب اصلی اقتباس شده‌اند.<sup>۱</sup>

---

۱. لازم می‌دانم از دوستانی که در پیشرفت این تحقیق به گونه‌ای مؤثر بوده‌اند، تشکر کنم. ابتدا سپاس ویژه دارم از دکتر جورجو روتا برای ارسال شرح حال برشه، و نیز از دکتر محسن جعفری‌مذهب، که از سر لطف کتاب اصلی برشه را در اختیار من قرار دادند. ترجمه عناوین ایتالیایی اسناد و برخی از گزارشهایی که در این نوشتار آمده، از آقای میرسعید قریشی است؛ از ایشان نیز تشکر فراوان دارم.

